

تاریخچه‌ی صنایع ایران

جلد ۱

به کوشش مهندس جلال صفارزاده



پارس کتاب

سرشناسه: صفارزاده، جلال، ۱۳۱۹ -

عنوان و نام پدیدآور: تاریخچه‌ی صنایع ایران

مشخصات نشر: تهران: پارس کتاب، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۳۸۴ ص: مصور.

شابک: ۹ - ۷۴ - ۸۳۱۷ - ۹۶۴ - ۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبای مختصر

یادداشت: فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است.

یادداشت: کتابنامه

شماره کتابشناسی ملی: ۳۷۹۰۴۰۳



پارس کتاب

تاریخچه‌ی صنایع ایران

جلال صفارزاده

نوبت چاپ: اول؛ ۱۳۹۴؛ شمارگان: ۱۰۰۰

حروفچینی: زهرا کشاورزی، گیتی عباسی

طراح جلد و صفحه‌آرایی: سعیده نیکبخت

ویراستار: نگین ایران‌بان

چاپ: صادق، صحافی: صداقت

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۳۱۷-۷۴-۹

قیمت: ۲۸۰۰۰ تومان

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خ وحید نظری، پلاک ۱۰۵، واحد ۲

تلفن: ۶۶۹۶۳۱۳۲ نمابر: ۶۶۹۶۰۸۳۳

E: info@parsketab.org – www.parsketab.org

فهرست

۹	پیشگفتار.....
۱۵	صنعت نفت: تاریخچه‌ی پیدایش نفت و صنعت نفت در ایران.....
۳۵	صنعت قند در ایران: تاریخچه‌ای از قند و شکر.....
۴۶	تاریخچه‌ی کشت چغندر قند زمستانی در خوزستان و احداث کارخانه‌های قند اهواز و دزفول.....
۵۹	صنعت نساجی: تاریخچه‌ی صنعت نساجی در ایران.....
۶۹	بافتندگی.....
۷۴	صنعت فرش.....
۷۴	تاریخچه‌ی فرش به روایتی دیگر.....
۹۱	صنعت کبریت‌سازی: تاریخچه‌ی اختراع کبریت.....
۹۸	صنعت سیمان: بنیان‌گذاران صنعت سیمان.....
۱۳۲	صنعت ذوب آهن: تاریخچه‌ی آهن در ایران و جهان.....
۱۴۳	صنعت مس در ایران: کلیات.....
۱۴۸	داستان کوچ بومیان مس سرچشمه: شکل‌گیری بزرگ‌ترین معدن مس در ایران.....
۱۶۶	سفال‌سازی.....
۱۶۹	صنعت سرب و روی: بررسی وضعیت صنعت روی در ایران.....
۱۸۶	صنعت طلا: تاریخچه‌ی طلا.....
۱۹۳	پیشگامان صنعت سید محسن آزمایش.....
۳۶۶	پیشینه‌ی برنامه‌ریزی برای توسعه.....
۳۷۵	معماری در دوره‌ی هخامنشیان.....
۳۸۲	فهرست اعلام.....

پیشگفتار

به نام خداوند جان و خرد

صفحه دیر بود دفتر عمر همه کس

این چنین گفت خردمند چو اندیشه گماشت

خرم آنکس که در این دفتر پاک از همه عیب

رقم خیر کشید و اثر خیر گذاشت

خواننده‌ی ارجمند و گرامی

این نوشتار گردآوری مقالاتی است که نویسندگان ارزشمند کشورمان در شرح احوال پیشگامان صنایع وطن عزیزمان مرقوم داشته‌اند و بیانگر خدمات صادقانه و عاشقانه‌ی آن گران‌سنگ‌مردان صنعت در صد سال گذشته می‌باشد.

بدون شک باور دارم که شرح زندگی این عاشقان معنوی وطن را در نشریات دیگر مطالعه فرموده‌اید ولی از خوبان و خادمان نوشتن و گفتن هر چند که تکراری باشد به نظر بنده‌ی حقیر آن نوشته‌ها خالی از لطف نخواهد بود و به قولی قند مکرر است. بنده‌ی کمترین همواره خود را مدیون این بزرگان می‌دانم و خدمات بزرگ‌منشانه‌ی آنها را ارج گذاشته و می‌گذارم و این بزرگ شمردن آن گرامی‌خادمان عاشق و فداکار دور از عقاید سیاسی و دولتی آنها بوده و خواهد بود و حقیر از آغاز جوانی و کار در صنعت سیمان، و چه در حال حاضر که برف پیری بر سر و روی نشسته است و گوشه‌ی عزلت گزیده‌ام مدهانه و شیرین‌زبانی نمی‌کنم بلکه واقعیت امر را بر زبان می‌آورم و از فرزندان جوان و فکور صنایع کشورم درخواست می‌نمایم

که همیشه یاد و گرامیداشت بنیان‌گذاران صنایع وطن را از خاطر نبرند و به هر نحو که ممکن و میسر است خدمات صادقانه‌ی آنها را ارج گذارند. آن رادمردان زادگاه خود را دوست می‌داشتند و همواره اشعار ذیل را زیر لب زمزمه می‌کردند و سرمشق خود می‌ساختند.

با توام ای خاک عزیز وطن ای به فدای تو سر و جان من
خاک اهورایی ایران تویی مهد بزرگان و دلیران تویی
هر وجبت خاک نیاکان ماست شوربرانگیز دل و جان ماست
بسته مرا با تو هزاران رسن کرده مرا بسته به مهر وطن
چون که به پایان گذرم زین جهان باز در آغوش تو گردم نهان

این بزرگواران سرمایه‌ی مادی و معنوی خود را صادقانه و عاشقانه برای پیشرفت کشور در صنعت هزینه کردند و چراغ صنایع را تاکنون روشن نگه داشته و به عنوان میراثی گرانبها به نسل‌های کنونی و آینده واگذار نموده‌اند و شایسته و بایسته است که خدمات آنها را به دست فراموشی نسپاریم؛ هرچند که در روزگار کنونی پیشرفت و فناوری در زمینه‌های مختلف از جمله رایانه و سامانه‌های رسانه‌ای و اطلاع‌رسانی مجازی فرصتی به ما نمی‌دهد و ما را از نوشتن و خواندن کتاب سرگذشت بزرگان صنعت کشور دور داشته است و حتی نامه‌نگاری را از یاد برده‌ایم ولی بر خود لازم می‌دانم که خدمات شایسته‌ی مردان صنایع را بیش از پیش مکتوب کرده در دسترس عموم علاقه‌مندان قرار دهم تا بدین‌وسیله خدمات آن بزرگواران را که طی یک قرن در راه اعتلای نام وطن صرف فرموده‌اند از یاد نبریم. اگر در قید حیات‌اند از آنان تجلیل کنیم و اگر در جمع ما نیستند در حفظ و نگهداری و دیعه‌ای که به ما سپرده‌اند کوشش همه‌جانبه‌ای را از جان و دل مبذول داریم. آن بزرگواران کارآفرین بودند و با حداقل امکانات کارهای بزرگی را از خود به یادگار گذاشته‌اند. عشق به وطن و زادگاه، برای آنان مانند آتشی بود که همواره در سینه‌شان شعله می‌کشید و به فرمایش حافظ شیرین‌سخن:

زین آتش نهفته که در سینه‌ی من است خورشید شعله‌ایست که در آسمان گرفت

این پیشگامان در حقیقت از کارگاه بی‌مانند طبیعت برای بهتر شدن وضع کشورمان الهام فراوان گرفته‌اند، مشاهده‌ی جهان برون و سیر در دنیای درون، بخش مهمی از پرورش فکری ایشان است و شرح و وصف مسائل علمی و صنعتی یا اجتماعی و عاطفی را در حد امکان به کمک عناصر طبیعی و ساده نقش‌بندی می‌کنند و باز هم لسان‌الغیب می‌فرماید:

راز درون پرده ز رندان مست پرس کاین حال نیست زاهد عالی‌مقام را

و پیش‌کسوتان صنایع در حقیقت مست دوستی وطن بودند، هیچ‌گاه مانند در کشورهای بیگانه را از خاطر خود نگذراندند، چون علاقه به آبادی ایران داشتند و سرفرازی را پیشه‌ی خود ساختند، آنها حس خودپرستی را در خود کشتند چون باور داشتند که خودپرستی کمتر از بت‌پرستی نیست.

امروزه کوشش ما سالخوردگان و فرزندان برومندمان باید این باشد که صنایع ایران با نامی بلندتر و پرآوازه‌تر برجای بماند، دستخوش ازهم‌گسیختگی فرهنگی و اقتصادی دوران پرشتاب انفورماتیک نشویم و جوانان عزیز صنعتگر این مرز و بوم باید جوهر ذاتی خود را در راستای توسعه‌ی صنایع به منصفی ظهور بگذارند و به قولی که بسزرگان می‌فرمایند:

تاج شاهی طلبی گوهر ذاتی بنمای و ر خود از گوهر جمشید و فریدون باشی

نقطه‌ی عشق نمودم به تو همان سهو مکن و رنه چون بنگری از دایره بیرون باشی

جوهر ذاتی آنگاه خود را نمایان می‌سازد که خدمت به کشور بیگانه را از یاد بریم و باور داشته باشیم:

که پای در زنجیر نزد دوستان به که با بیگانگان در گلستان

برای برخورداری از یک زندگی مرفه در غرب، صنایع کشور خود را از نیروی فکور و دانای جوانان عزیزمان خالی نگذاریم و نان خود را سر سفره‌ی دیگران که ما را باطناً باور ندارند نخوریم؛ به اخذ دانشنامه از کشورهای غربی افتخار نوزریم و فخر بر اکثریت جوانان نفروشیم بلکه باید به وطن بازگردیم و دانش آموخته را در راه پیشرفت صنایع مختلف و سایر رشته‌های دیگر صرف نماییم و می‌دانیم که هیچ‌گاه

بیگانه هم‌وطن نمی‌شود و هیچ خاکی، خاک مام وطن یعنی ایران نخواهد بود. و باید روزبه‌روز بهتر و برتر باشیم. هر چه پیشینیان انجام دادند خوب نگاه‌داریم و مست‌بادهی گذشته نشویم؛ گذشته را چراغ راه آینده قرار دهیم و آن چراغ را با فداکاری بیشتر درخشنده‌تر سازیم و قول شاعر پارسی‌گوی اقبال لاهوری را در ذهن خود بسپاریم که مست گذشته نباشیم.

زمانه از رخ فردا گشود بند نقاب معاشران همه سرمست‌باده دوشند

و شایسته است که ضمن ارج نهادن به خدمات دیگران، خود نیز از هیچ تلاش و کوششی فروگذار نکنیم؛ افتخار به گذشته منجر به رکود ما در پیشرفت نباشد و بدان قانع نباشیم. توصیه‌ی این کمترین به شما فرزندان برومند ایران زمین آن است که پس از تکمیل تحصیلات خود حتماً به کشور بازگردید، نه اینکه اسیر آب و دانه‌ی خارجی شوید و زحمات چندین ساله‌ی پدر و مادر خویش را از یاد ببرید و در خدمت غرب بمانید. اگر تسهیلات اندکی را طی دوران تحصیل در کشورشان در اختیارشان قرار داده در باغ سبزی نشان می‌دهند، هدفشان این است که شما را که اکنون درختی تناور و شکوهمند هستید و به بار نشسته‌اید همان‌جا نگه دارند و خودشان از آموخته‌های شما کامیاب گردند، در صورتی که این حق هم‌وطنان شماست. فرزندان جوان باید بدانند که کشور زاپین بعد از جنگ جهانی دوم نه گاز داشت، نه نفت و نه منابع طبیعی زرخیز ولی با نیروی کارآمد مردم فکورشان به این درجه از پیشرفت صنایع نائل شد و ما باید بدانیم که کسی جز شما جوانان نمی‌تواند کشور را از عقب‌ماندگی صنعتی نجات دهد. پس همگی با مام وطن پیمان می‌بندیم که به تو بازگردیم چون ریشه در خاک تو داریم و تو را بیش از پیش آباد خواهیم کرد و اشعار ذیل را همواره نزد خود سرودوار می‌خوانیم تا به سوی تو باز آییم:

وطن، ای مهر گرم و تابانم از تو یک لحظه رو نگردانم
 آفتاب جهان فروغ تویی من گل آفتاب‌گردانم
 با فروغ تو زندگی کردم به امید تو زنده می‌مانم
 دور از آغوش گرم پرمه‌رت نی بریده از نیستانم
 آن‌چنان در تو ریشه گس‌تردم که به جز با تو زیست نتوانم
 تو چنان بحر بیکرانی و من نیستم قطره کمتر از آنم
 زنده بادا وطن شعار من است گر کند خصم تیر بارانم
 (نوران شهریاری)

و جوانان برومند و آینده‌ساز وطن هستند که ایرانی سربلندتر از گذشته خواهند ساخت و کتاب خاطرات خدمات زرین خادمان و عاشق صنایع کشور را چون میراثی گرانقدر پاس خواهند داشت.

در پایان از بزرگواری که در گردآوری این نوشتار یاری‌ام فرمودند سپاسگزارم؛ از دوست و همشهری گرانقدر جناب آقای مهندس اسدالله موقری پور، کارشناس عالی‌قدر صنعت قند صد ساله‌ی ایران که اطلاعات خوبی در زمینه‌ی این صنعت در اختیار بنده گذاردند.

از همکاری صمیمانه‌ی جناب آقای دکتر رحمت‌الله خواجویی، همشهری گرامی و استاد دانشگاه شهید بهشتی.

از همکار گرانقدر جناب آقای مهندس نادر معمار مشرفی که یکی از کارشناسان عالی‌قدر می‌باشد و در نشر این کتاب بنده را مساعدت فرمودند، همکاری ایشان فراموش نخواهد شد.

از امعان نظر و راهنمایی‌های استاد ارجمند جناب آقای مهندس مرتضی حسینی دهکردی مقیم آمریکا که در تهیه‌ی این مقالات طی نامه و تذکرات تلفنی همراهی‌ام فرمودند و از دانش و فضل مشارالیه بهره‌ها گرفتم.

از زحمات همشهری گرامی جناب آقای مهندس محمدرضا محمود آبادی که عهده‌دار ساخت بنیاد فرهنگی زنده‌یاد دکتر طاهره صفارزاده در سیرجان شده‌اند. او انسانی است که در زندگی خوشنامی و خوب ماندن را یدک می‌کشد.

از آقای مهندس سیامک محمودیان دهکردی که اطلاعات سودمندی برای نشر این مجموعه در اختیارم گذاردند. ایشان دانشجوی دکترای بیو انفورماتیک در دانشگاه کارولینای آمریکا هستند. به امید اینکه روزی به ایران بازگردند و در خدمت وطن خود باشند.

از دوست عزیزم جناب آقای مهندس علی محرابی، کارشناس ارشد صنایع مس سرچشمه که اطلاعات خوبی در اختیار بنده گذاردند. ایشان انسانی رنج‌دیده و خودساخته و درد‌آشناست.

از دوست گرامی‌ام جناب آقای مهندس علی اکبر صالحی، کارشناس خوشنام صنعت گاز و نفت که بنده را در این راه یاری دادند.

از دوست و همشهری ارجمندم استاد مهدی عربی مکی‌آبادی، استاد دانشگاه شهید

بهشتی، که ویراستاری این مجموعه را عهده‌دار بودند. وی یار غار همه‌ی دوستان است. از برادرزاده‌ی ارجمندم آقای مهندس فرزاد صفارزاده یار و یاورم در انتشار نوشتارهایم، که وحید و یگانه‌ی زمان است.

از همکار گرامی‌ام سرکار خانم زهرا کشاورزی که تایپ این کتاب را عهده‌دار بودند و با دقت تمام آن را به انجام رساندند.

همچنین از کارکنان محترم نشر پارس کتاب به‌ویژه جناب سید محمد تفتی، مدیر این مؤسسه، بسیار ممنون و قدردانم که زحمات فراوانی در این راه متحمل شدند.

بدین‌وسیله از عزیزانی که این مجموعه را مطالعه می‌فرمایند درخواست می‌کنم که کم و کاست این نوشتار را بر این بنده‌ی حقیر ببخشایند.

سخن به درازا کشید و با شعری از زنده‌یاد ژاله اصفهانی آن را پایان می‌بخشم.

زندگی صحنه‌ی یکتای هنرمندی ماست

هر کسی نغمه خود خواند و از صحنه رود

صحنه پیوسته به جاست

خرم آن نغمه که مردم بسپارند به یاد

با آرزوی سربلندی ایران و صنایع ایران

کوچک - جلال صفارزاده